

شناسایی عوامل مؤثر جهت تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین

هدی سادات محسنی*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر جهت تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین صورت گرفت. در این راستا، ابتدا به بررسی ادبیات و مبانی نظری موجود در این حوزه پرداخته و پس از استخراج عوامل موجود در ادبیات پژوهش، این عوامل دسته‌بندی و در قالب پیش‌نویس پرسشنامه محقق ساخته طراحی گردید. سپس با استفاده از مصاحبه نیمه ساختمند با متخصصان حوزه کارآفرینی، عوامل استخراج‌شده بررسی و ماحصل آن رد تعداد کمی از آن‌ها و تأیید دیگر عوامل شناسایی‌شده گردید. در مرحله بعد بر اساس عوامل شناسایی‌شده، به بررسی وضعیت موجود دانشگاه الزهرا (س) در این خصوص پرداخته شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر رویکرد، کمی و از لحاظ گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر اعضای هیئت‌علمی دانشگاه الزهرا (س) برابر با ۳۴۴ نفر است که با استفاده از جدول مورگان، ۱۸۲ نفر از آن‌ها از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. در بخش نخست پژوهش، یافته‌ها حاکی از شناسایی ۸ عامل و ۵۰ شاخص مشتمل بر عامل رهبری کارآفرینانه (۸ شاخص)، عامل ساختار سازمانی کارآفرینانه (۴ شاخص)، عامل آموزش کارآفرینی (۹ شاخص)، عامل فرهنگ کارآفرینانه (۹ شاخص)، عامل اعضای هیئت‌علمی و کارکنان خلاق و نوآور (۷ شاخص)، عامل بازاریابی کارآفرینانه (۴ شاخص)، عامل تأمین اقدامات حمایتی کارآفرینانه (۴ شاخص)، عامل تجاری‌سازی تحقیقات (۵ شاخص) است که همه آن‌ها تأیید شدند. در بخش دوم پژوهش که بر مبنای عوامل شناسایی‌شده، به بررسی وضعیت دانشگاه الزهرا (س) پرداخته شد، یافته‌ها حاکی از آن است که دانشگاه الزهرا (س)، جز در عامل «ساختار سازمانی کارآفرینانه»، در سایر عوامل شناسایی‌شده در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، دانشگاه کارآفرین، فرهنگ کارآفرینی، ساختار کارآفرینانه

* استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه الزهرا (س) Sadatmohseni@Alzahra.ac.ir

تاریخ تصویب: ۹۷/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲

فصلنامه راهبرد فرهنگی - اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست‌ونهم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۰۸-۱۸۷.

مقدمه

به دلیل تحولات سریع اقتصادی، صنعتی و فرهنگی در چند دهه اخیر و نیاز کشور به تقویت ساختارهای دانایی محور و تولید ثروت از راه دانش، پرداختن به مقوله کارآفرینی و تربیت و آموزش دانش آموختگانی که دارای توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار مناسب باشند، از وظایف اصلی هر دانشگاه محسوب می‌شود. کارآفرینی و کارآفرینان سهم به‌سزایی در توسعه اقتصادی کشور دارند. همان‌طور که می‌دانیم، اختلاف سطح فناوری کشور ما با کشورهای پیشرفته، بسیار زیاد بوده و کارآفرینی یکی از ابزارهای مهم فکری-اقتصادی و نوآورانه برای کم کردن این فاصله است. یکی از مراکز مهم ایجاد خلاقیت و طوفان مغزی در هر کشور، دانشگاه‌های آن هستند. دانشگاه‌های کشور به‌عنوان کانون تفکر و دانش با پرورش دانشجویان خلاق، نوآور و کارآفرین و با ارتقای فرهنگ کارآفرینی و نهادینه‌نمودن آن، برای پرون رفت از معضل اقتصادی و توسعه اقتصادی و تولید ثروت، نقش بسیار کلیدی و حساسی را ایفا کرده و در راستای کمک به تولید ثروت، رفاه، اشتغال‌زایی و اقتصاد پویا، فعالیت و تلاش پیگیری را دنبال می‌کنند. توسعه کارآفرینی به‌واسطه نتایجی که بر آن مترتب است نقطه عطف هرگونه پیشرفت و ترقی بوده و دانشگاه‌های کشور با حضور نخبگان، نوآوران و متفکران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز خلاقیت، نوآوری و مؤثر در فرایند کارآفرینی به‌شمار می‌آید. از این‌رو، پژوهش حاضر با اذعان به نقش کارآفرینی در توسعه کشور و جایگاهی که دانشگاه‌ها در اشاعه فرهنگ کارآفرینی می‌توانند داشته باشند، ابتدا به شناسایی عوامل مؤثر بر تبدیل دانشگاه به دانشگاه

کارآفرین پرداخته و سپس وضعیت موجود دانشگاه الزهراء (س) را در رابطه با عوامل شناسایی شده مورد بررسی قرار داده است.

کارآفرینی

موج گسترده فعالیت‌های اقتصادی توجه بسیاری از دولت‌ها را به کارآفرینی جلب کرده است (مقیمی و مقدم، ۱۳۸۶: ۳۷ و آنوخین و شولتر^۱، ۲۰۰۹: ۴۶۶). از دیدگاه شومپتر^۲ کارکرد اولیه و عمده کارآفرینی «نوآوری» است و آنچه کارآفرینان انجام می‌دهند تا ایده خود را به کالا یا خدمات تبدیل کنند یک نوع مدیریت است؛ کارآفرینی ترکیب خاص و بدیع خلاقیت و مدیریت است (ایال - انبر،^۳ ۲۰۰۳). از نظر تجربی، کارآفرینی حالت اولیه و ابتدایی توسعه اقتصادی است (هریس و حسان^۴، ۲۰۰۹: ۴۱۲). کارآفرینی برای هر جامعه‌ای دارای سه نوع منفعت (۱) افزایش رشد اقتصادی؛ (۲) ارتقاء بهره‌وری و (۳) پدیدآمدن تکنولوژی‌ها، محصولات و خدمات جدید است (مقیمی، ۱۳۸۴: ۱۵۷-۵۷). کارآفرینان در اجتماع سبب پویایی و افزایش بهره‌وری شده و در سطح اجتماع ارزش کار را افزایش می‌دهند و روحیه سعی و تلاش در بدنه جامعه را بالا می‌برند و سبب تشویق جامعه به کارهای خلاق و کارآفرین می‌شوند، همین امر سبب رشد و بالندگی در اجتماع می‌شود. زمانی که کارآفرینی به عنوان یک شیوه زندگی توسط اکثریت افراد یک جامعه پذیرفته شود، آن جامعه بسیار سریع توسعه می‌یابد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۹: ۸۲). در کشور ما تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود و در انجام چند پروژه و پایان‌نامه دوره دکتری خلاصه می‌شد. بنابراین با رایزنی‌های برخی از پژوهشگران حوزه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد) در برنامه سوم توسعه گنجانده شده و در اواخر سال

-
1. Anokhin & Schulze
 2. Shumpeter
 3. Eyal & Inbar
 4. Harris & Hasan

۱۳۷۹ مسئولیت پیگیری و اجرای امور ستادی آن از طرف وزارت علوم به سازمان سنجش واگذار گردید. هم‌اکنون این طرح در ۲۹ دانشگاه کشور در حال اجرا است و هر ساله به تعداد دانشگاه‌های مذکور نیز اضافه می‌شود و اهداف این طرح عبارت است از: (۱) ترویج روحیه و فرهنگ کارآفرینی و ارتقاء شناخت جامعه دانشگاهی نسبت به کارآفرینی، کارآفرینان و نقش آنان در رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفاه؛ (۲) ترغیب و جذب جامعه دانشگاهی به دوره‌های آموزش کارآفرینی؛ (۳) گسترش تحقیقات تحصیلی درخصوص کارآفرینان، پروژه‌های کارآفرینی محیط و فضای کارآفرینان (احمدپورداریانی، ۱۳۸۴). در ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چنین آمده است: «دولت موظف است برای زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نرم‌افزاری با هدف توسعه کمی و کیفی، از ابتدای برنامه چهارم اقداماتی را در مأموریت‌ها و ساختار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، برای پاسخگویی به نیازهای بخش در زمینه ایجاد تأسیس دوره‌های بین‌رشته‌ای انجام دهد» (قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۸۴).

فرایند جهانی‌سازی باعث شد تا دانشگاه‌ها مسئولیت‌های جدیدی در ارتقاء اجتماعی و اقتصادی مناطق، مزیت‌های علمی بازار و کاهش سرمایه‌های عمومی داشته باشند. بنابراین دانشگاه‌ها باید کارآفرینانه عمل کنند و نتایج تحقیقات خود را تجاری‌سازی کرده و شرکت‌های دانش‌بنیان جدیدی را تشویق و تسهیل کنند و رابطه بین دانشگاه کارآفرین و صنعت را برقرار سازد (یوسف و جین، ۲۰۰۷).

دانشگاه کارآفرین

کارآفرینی شیوه‌ای برای بازسازی هر دانشگاهی است که می‌خواهد رقابتی باشد و رقابتی باقی بماند و در هر زمانی رشد کند (دیما و وگز، ۲۰۰۷: ۴). به‌زعم موسوی مشهدی (۱۳۸۶) دانشگاه‌ها می‌توانند با نگرشی نو به آموزش، پژوهش،

1. Yusof & Jain

2. Dima & Veghes

نوآوری و توسعه فرهنگ کارآفرینی دست به تحول اساسی زده و با تربیت نیروهای محقق، خلاق و توسعه‌یافته، زمینه ورود به صنایع پیشرفته را به سهم خود فراهم سازند (موسوی‌مشهدی، ۱۳۸۶: ۸). ظهور دانشگاه کارآفرین واکنشی نسبت به افزایش اهمیت دانش در نظام‌های نوآوری ملی و منطقه‌ای بوده است و سرمایه‌گذاری در دانشگاه به‌مثابه نوعی سرمایه‌گذاری اثربخش از حیث هزینه و نیز عامل انتقال دانش و فناوری است (اتزکویتز^۱ و دیگران، ۲۰۰۰). دانشگاه‌ها مغز متفکر و نیروی محرکه هر جامعه محسوب می‌شوند و پیشرفت یا عقب‌ماندگی جوامع تا حد زیادی به کیفیت و کمیت خدمات مراکز دانشگاهی بستگی دارد. هم‌زمان با پیشرفت جوامع از جوامع سنتی به جوامع صنعتی و اطلاعاتی، نقش دانشگاه‌ها نیز تغییر یافته و دانشگاه‌ها از یک انتقال‌دهنده دانش صرف به منبع قدرت ملت‌ها در تولید دانش و فناوری تبدیل شده‌اند (صمدآقایی، ۱۳۷۸). این مراکز به علت داشتن امکانات آموزشی و پژوهشی پیشرفته و نیروهای کارشناس می‌توانند در بخش‌های گوناگون بازار کار فعالیت نمایند، مواد و دستگاه‌های گوناگون تولید کنند و با ارائه طرح‌های تولید سودآور به سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، زمینه ایجاد واحدهای مختلف تولیدی را فراهم آورند و از این راه کارآفرین باشند (سریع‌القلم، ۱۳۸۶). بنا به تعریف شاتل^۲ (۲۰۰۴)، دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که باید دو وظیفه را انجام دهد: نخست اینکه باید کارآفرینان آینده را آموزش دهد، یعنی افرادی که بتوانند کسب‌وکار جدیدی را ایجاد کنند و نیز روحیه کارآفرینانه را در همه دانشجویان در تمامی رشته‌ها توسعه دهد. دوم اینکه باید کارآفرینانه عمل کند، مراکز رشد کسب‌وکار را سازمان‌دهی کند، پارک‌های فناوری و مواردی نظیر آن را ایجاد کند، دانشجویان را در این مراکز درگیر نماید و از طریق این مراکز به دانشجویان و دانش‌آموختگان در ایجاد کسب‌وکار کمک کند و درنهایت اینکه بتواند از لحاظ مالی به‌طور نسبی استقلال پیدا کند. اصطلاح دانشگاه کارآفرین در سال ۱۹۸۳ به‌وسیله اتزکویتز برای توصیف

1. Etzkowitz

2. Shattel

دانشگاه‌هایی که از سازوکارهای مختلف علمی خود برای مشارکت در توسعه منطقه و افزایش درآمدها استفاده می‌کردند، به کار گرفته شد. همچنین از اصطلاحات دیگری نیز برای توصیف این نوع دانشگاه‌ها استفاده شد. از جمله انتقال فناوری دانشگاه^۱ توسط دیل^۲ در سال ۱۹۹۵، دانشگاه‌های نوآوری^۳ در سال ۱۹۹۸ توسط کلارک و در سال ۱۹۹۹ توسط وان ووت^۴ و دانشگاه‌های بازار^۵ در سال ۱۹۹۷ به وسیله اسلاتر و لسلی^۶ مورد استفاده قرار گرفت (گرو، ۲۰۰۶). بر اساس نظر کلارک، کربی^۷ و اتزکویتز، یک دانشگاه کارآفرین به‌عنوان دانشگاهی تعریف می‌شود که توانایی نوآوری، تشخیص و ایجاد فرصت‌ها، کار تیمی، ریسک کردن و پاسخ به چالش‌ها را داشته و درصدد ایجاد تغییراتی در مشخصه‌ی سازمانی باشد، به طوری که از وضعیت روشنی در آینده برخوردار باشند. به معنای دیگر انکوباتورهای طبیعی، ساختار حمایتی برای اساتید و دانشجویان فراهم آورده تا ریسک‌های جدید تجاری، عقلانی و مشترک^۸ پدید آید (گرو، ۲۰۰۶). دانشگاه کارآفرین به‌عنوان مرکز تولید علم و دانش و تکنولوژی و به‌عنوان به‌کارگیرنده تکنولوژی و محل کاربردی کردن علم و دانش می‌تواند نقش به‌سزایی در پیشرفت و توسعه کشور در عرصه‌های جهانی داشته باشد. در مجموع دانشگاه کارآفرین از عوامل بسیار مهم در شکوفایی جامعه است، به نحوی که با شاغل نمودن فارغ‌التحصیلان دانشگاه، علاوه بر استفاده از دانش آن‌ها در شکوفایی خود، خروجی دانشگاه را به کار بسته و مانع از بیکار و بی‌ارزش شدن آن‌ها می‌شود (ابراهیم‌زاده، جعفری و احمدپورداریانی، ۱۳۸۶). اتزکویتز (۲۰۰۴) روابط نزدیک

1. University Technological Transfer

2. Dill

3. Innovative Universities

4. Van Vught

5. Market Universities

6. Slaughter and Leslie

7. Guerrero

8. Clark, Kirby

9. Intellectual and conjoint

بین صنعت و دولت با دانشگاه، داشتن ساختاری پیوندی، دانش و نوسازی را به‌عنوان عناصر و عوامل اصلی در دانشگاه کارآفرین در نظر می‌گیرد (یداللهی فارسی، ۲۰۱۰).

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در ایران

● ایمانی (۱۳۸۴) با هدف ارائه مدلی برای طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها بر روی دانشگاه‌های پژوهشی، طرح کاراد انجام داده‌اند. نمونه‌های مورد مطالعه ۱۰۲ نفر مدیر و ۱۶۷ نفر اعضای هیئت‌علمی هستند. در این پژوهش ابتدا پنج مؤلفه اولیه با ۱۸ مؤلفه فرعی برای طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های کارآفرینی شناسایی شده است که پس از تجزیه و تحلیل، به ۴ دسته از عوامل و ۲۰ عامل فرعی تغییر یافته است.

● حسن مرادی (۱۳۸۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «تدوین الگوی مناسب ایجاد دانشگاه کارآفرین» با رویکردی سیستماتیک و در نظر گرفتن مجموعه عوامل بیرونی و درونی دانشگاه، به شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی و فرعی دانشگاه کارآفرین پرداخته است و بر این اساس الگوی دانشگاه کارآفرین را تدوین و ارائه نموده است. همچنین ایجاد و گسترش کارآفرینی در دانشگاه‌ها مستلزم توجه هم‌زمان به تمامی ابعاد زیرساختی، زمینه‌ای، درون‌دادی، فرایندی، برون‌دادی، ارزیابی و پیامدهای دانشگاه کارآفرین است. علاوه‌بر این اجرا و پیاده‌سازی الگوی دانشگاه کارآفرین نیازمند تدوین سیاست‌ها و چشم‌اندازهای کارآفرینی، انجام مطالعات درونی و بیرونی، تدوین برنامه‌های استراتژیک و عملیاتی خاص هر دانشگاه و اجرا و ارزیابی مستمر این برنامه است.

● انتظاری (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تعامل علم و صنعت از چشم‌انداز اقتصاد مبتنی بر دانش» به بررسی تعامل پویا و جامع بین علم و صنعت به‌طور عام و دانشگاه و بنگاه به‌طور خاص پرداخته و با مطالعه دو الگوی موجود

«نظام ملی نوآوری» و «پیچش سه‌جانبه دانشگاه، صنعت، دولت» نقاط ضعفی را شناسایی نموده و در نهایت با توجه به تحولات اخیر ظهور اقتصاد دانش‌محور، الگوی جدید «نظام ملی توسعه دانش» را جایگزین الگوهای موجود کرده است. طبق این الگو دانشگاه و بنگاه با سه سازوکار فرابازار، بازار دانش، فناوری و کارآفرینی دانشگاه می‌توانند تعامل جامع و پویایی با یکدیگر داشته باشد.

● شریفی^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش عوامل سازمانی در ایجاد و ارتقای کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی) به این نتیجه رسید که بین تصور رهبران از سازمان و توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.

● عزیزی (۱۳۸۲) برنامه‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های دو کشور آمریکا و آلمان را با یکدیگر مقایسه کرده است به این صورت که: اثرات و نتایج برنامه‌هایی را که به منظور پرورش کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه‌های معروف آلمان تدوین می‌شوند با اثرات و نتایج چنین برنامه‌هایی در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (MIT) مقایسه کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در دانشجویان آمریکایی بعد از فارغ‌التحصیلی، علاقه و گرایش بیشتری نسبت به دانشجویان آلمانی، برای شروع و راه‌اندازی شرکت‌هایی با فناوری بالا وجود دارد. این اختلاف با ارزیابی مطلوب‌تر آموزش کارآفرینی در MIT همراه شده است. با این وجود، شواهد معتبری وجود دارد که برنامه‌های آموزش کارآفرینانه در دانشگاه‌های مهم آمریکا می‌تواند به‌عنوان مدل و الگوی موفقیت‌آمیزی در مؤسسات آکادمیک آلمان به کار گرفته شود.

● مقیمی (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود به منظور «طراحی و تبیین مدل کارآفرینی سازمانی برای سازمان‌های غیردولتی ایران» سه دسته از عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی سازمانی در این گروه سازمان‌ها شامل عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای را مورد مطالعه قرار داده است.

● احمدپورداریانی و همکاران (۱۳۷۷) به منظور «ارائه الگوی پرورش مدیران

کارآفرین» مطالعه‌ای میدانی درخصوص شناسایی ویژگی‌ها و خصوصیات مدیران کارآفرین و موفق انجام داده است. وی درخصوص ویژگی‌های موفقیت سازمان‌های کارآفرین و الگوی مناسب برای پرورش مدیران کارآفرین، متغیرهای گوناگونی را نظیر عوامل شخصیتی، سازمانی و جمعیت شناختی به‌منظور ویژگی‌های کارآفرین و جنبه‌های نوآوری، رشد و تغییر و فرایند آموزش را به‌عنوان عوامل موفقیت سازمانی تفکیک و مورد بررسی قرار داده است.

پیشینه پژوهش در جهان

● گوئرو و اربانو^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «توسعه کارآفرینی دانشگاهی»، دانشگاه کارآفرین را دانشگاهی برمی‌شمارند که کارآفرینی علمی در آن بتواند نیرویی برای رشد اقتصادی ایجاد کند و باعث رقابت در بازارهای جهانی شود. آن‌ها معتقدند در این رابطه بیش از بررسی مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار، بر پیامدهای کارآفرینی تأکید شده است.

● گوئرو (۲۰۰۶) با هدف ارائه الگوی دانشگاه کارآفرین و بررسی مطالعات موردی انجام گرفته قبلی در زمینه دانشگاه کارآفرین، عوامل ایجاد و توسعه دانشگاه کارآفرین را به دو گروه عوامل رسمی شامل ساختار سازمانی و نظارت دانشگاه؛ اقدامات حمایتی به‌منظور ایجاد کسب‌وکارهای جدید؛ آموزش کارآفرینی و عوامل غیررسمی شامل نگرش‌های جامعه دانشگاهی طبقه‌بندی کرده است.

● بگلی^۲ (۲۰۰۰) رساله دکتری خود را با عنوان «شیوه‌های یادگیری در بین کارآفرینان منتخب»، کاربردهایی برای برنامه‌های کارآفرینی در مؤسسات آموزش عالی آمریکا ارائه داده است. هدف این پژوهش، تحقیق وسیع در مورد شیوه‌های یادگیری در میان کارآفرینان به‌منظور فراهم‌آوردن اطلاعات مفید برای مربیان به‌صورت توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی دانشکده‌ها و دانشگاه‌های ایالات متحده است.

1. Guerrero & Urbano

2. Begley

• دراری^۱ (۱۹۹۹) رساله خود را با عنوان «آموزش کارآفرینی در سیستم دانشکده جامع ویرجینیا» انجام داده است. در خلاصه این رساله آمده است: بیشترین رشد شبکه شغلی جدید ناشی از کسب‌وکارهای کوچک بوده و این بنگاه‌های کسب‌وکار کوچک، نیروهای پیش‌برنده اقتصادی مهم در آمریکا محسوب می‌شود و فرصت زیادی برای آموزش عالی است که برنامه‌های آموزشی را با هدف کسب‌وکارهای کوچک مخاطره‌آمیز در نظر بگیرد. این موضوع به‌ویژه برای دانشکده‌های جامع به‌عنوان یک واقعیت محسوب می‌شود، به دلیل اینکه این مؤسسات آموزش عالی، نزدیک به جوامع محلی خودشان است. با این‌وجود مروری بر ادبیات، نشانگر این موضوع است که دانشکده‌های جامع چنین فرصتی را دنبال نمی‌کنند و فقط تعدادی از دانشکده‌های جامع به دوره‌های کارآفرینی اولویت داده‌اند. در واقع سهم این دانشکده‌ها در آموزش کارآفرینی در مقایسه با دانشکده‌ها و دانشگاه‌های چهارساله به‌طور نامتناسبی پایین است. دانشکده‌های دوساله دانشجویان را برای شغل سنتی آماده می‌کنند و غفلت از کارآفرینی به‌عنوان شیوه دیگر شغل است و این موجب می‌شود تا تلاش مستمر در جامعه، به‌ویژه در ویرجینیا برای تبدیل آموزش و تربیت به سرمایه، نیاز به عرضه دوره خصوصی پیدا کند. برای دانشکده‌های جامع این فرصت وجود دارد تا به‌منظور موفقیت کارآفرینان دوره‌های خصوصی و غیرخصوصی فراهم آورند.

پرسش‌های پژوهش

- ۱) عوامل اثرگذار بر تبدیل دانشگاه الزهرا (س) به دانشگاه کارآفرین کدامند؟
- ۲) وضعیت موجود دانشگاه الزهرا (س) در رابطه با عوامل شناسایی شده چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش برحسب هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی از نوع پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری در این

پژوهش، اعضای هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س) برابر با ۳۴۴ است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی بود. جهت تعیین حجم نمونه، پس از تعیین حجم دقیق جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران، نمونه برابر با ۱۸۲ نفر تعیین شد. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته است که بر مبنای مطالعه ادبیات موضوع تحقیق و پرسشنامه‌های پیش‌ساخته موجود در این حوزه تدوین شد. اعتبار ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق بر اساس نظر متخصصان و خبرگان این حوزه و استاد راهنما و مشاور مورد بررسی قرار گرفت و جهت بررسی پایایی ابزار تحقیق، به صورت پایلوت پرسشنامه در بین ۳۰ نفر اجرا شد. بر اساس آلفای کرونباخ، پایایی آن برابر با ۰/۹ است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های به دست آمده، در سطح آمار توصیفی از جداول فراوانی، درصد فراوانی و نمودارها و در سطح آمار استنباطی، از آزمون t تک نمونه‌ای و t برای گروه‌های مستقل، استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در پاسخ به پرسش نخست پژوهش مبنی بر «شناسایی عوامل مؤثر بر تبدیل دانشگاه الزهرا (س) به دانشگاه کارآفرین» به شرح زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. عوامل اثرگذار بر تبدیل دانشگاه الزهراء(س) به دانشگاه کارآفرین

شاخص‌ها	فراوانی	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
۱- وجود مدیران دارای روحیه ریسک‌پذیری	۱۰۱	۳	۳/۵۱۴	۰/۵۴۰۶	۰/۵۱۴۸	۹/۵۷۱	۱۰۰	۰/۰۰۰
۲- وجود مدیران دارای مهارت کار تیمی	۱۰۱	۳	۳/۵۷۴	۰/۵۱۶۶	۰/۵۷۴۲	۱۱/۱۷۰	۱۰۰	۰/۰۰۰
۳- برخورداری مدیران از روحیه خلاقیت و نوآوری	۱۰۱	۳	۳/۵۸۴	۰/۵۱۵۱	۰/۵۸۴۱	۱۱/۳۹۷	۱۰۰	۰/۰۰۰
۴- وجود مدیران آینده‌نگر و متمایل به پیشگامی	۱۰۱	۳	۳/۵۷۴	۰/۵۱۶۶	۰/۵۷۴۲	۱۱/۱۷۰	۱۰۰	۰/۰۰۰
۵- افق زمان‌بندی بلندمدت در ارزیابی عملکردها	۱۰۱	۳	۳/۵۶۴	۰/۵۱۷۹	۰/۵۶۴۳	۱۰/۹۴۹	۱۰۰	۰/۰۰۰
۶- وجود مدیران دارای روحیه برون‌گرایی و سازگاری با محیط	۱۰۰	۳	۳/۵۳۰	۰/۵۴۰۳	۰/۵۳۰۰	۹/۸۰۸	۹۹	۰/۰۰۰
۷- داشتن برنامه استراتژیک توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها	۱۰۰	۳	۳/۵۴۰	۰/۵۷۵۹	۰/۵۴۰۰	۹/۳۷۶	۹۹	۰/۰۰۰
۸- آزادی عمل مدیران	۱۰۰	۳	۳/۴۹۰	۰/۶۲۷۵	۰/۴۹۰۰	۷/۸۰۸	۹۹	۰/۰۰۰
شاخص‌ها	فراوانی	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
۱- تمرکز پایین	۹۹	۳	۳/۴۵۴	۰/۶۴۳۲	۰/۴۵۴۵	۷/۰۳۱	۹۸	۰/۰۰۰
۲- رسمیت کمتر	۹۶	۳	۳/۴۱۶	۰/۶۰۹۸	۰/۴۱۶۶	۶/۶۹۴	۹۵	۰/۰۰۰
۳- ساختار سازمانی تخت و منعطف	۹۸	۳	۳/۴۶۹	۰/۵۷۸۰	۰/۴۶۹۳	۸/۰۳۹	۹۷	۰/۰۰۰
۴- توسعه دوره‌های بین‌رشته‌ای	۹۷	۳	۳/۵۱۵	۰/۵۷۹۳	۰/۵۱۵۴	۸/۷۶۲	۹۶	۰/۰۰۰

عامل رهبری
کارآفرینانه

عامل ساختار
سازمانی کارآفرینانه

شاخص‌ها	فراوانی	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
۱- تناسب محتوای مواد آموزشی با نیازهای جامعه	۱۰۰	۳	۳/۵۵۰	۰/۵۳۸۸	۰/۵۵۰۰	۱۰/۲۰۶	۹۹	۰/۰۰۰
۲- تأکید بر روش آموزش حل مسئله	۱۰۰	۳	۳/۵۷۰	۰/۵۱۷۴	۰/۵۷۰۰	۱۱/۰۱۵	۹۹	۰/۰۰۰
۳- تأکید بر روش آموزش تیمی	۹۹	۳	۳/۵۹۶	۰/۵۱۳۴	۰/۵۹۵۹	۱۱/۵۴۸	۹۸	۰/۰۰۰
۴- تأکید بر روش آموزش ترکیبی (حضور، مجازی)	۱۰۰	۳	۳/۵۲۰	۰/۵۵۹۲	۰/۵۲۰۰	۹/۲۹۹	۹۹	۰/۰۰۰
۵- تأکید بر آموزش مهارت‌های عملی	۱۰۰	۳	۳/۵۹۰	۰/۴۹۴۳	۰/۵۹۰۰	۱۱/۹۳۶	۹۹	۰/۰۰۰
۶- ارزیابی برنامه‌های آموزش کارآفرینی	۹۸	۳	۳/۵۷۱	۰/۵۱۷۷	۰/۵۷۱۴	۱۰/۹۲۶	۹۷	۰/۰۰۰
۷- ارائه مفاهیم کارآفرینی به‌عنوان بخشی از سرفصل دروس	۱۰۰	۳	۳/۵۲۰	۰/۵۴۰۳	۰/۵۳۰۰	۹/۸۰۸	۹۹	۰/۰۰۰
۸- آموزش مهارت‌های مدیریتی (بازاریابی، مدیریت مالی)	۹۸	۳	۳/۵۴۰	۰/۵۲۱۰	۰/۵۴۰۸	۱۰/۲۷۵	۹۷	۰/۰۰۰
۹- آموزش مهارت‌های فردی (ریسک‌پذیری و نوآوری)	۱۰۰	۳	۳/۵۲۰	۰/۵۲۱۳	۰/۵۳۰۰	۱۰/۱۶۶	۹۹	۰/۰۰۰
شاخص‌ها	فراوانی	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
۱- حمایت از ریسک‌پذیری در همه بخش‌ها	۱۰۱	۳	۳/۴۷۵	۰/۵۵۸۴	۰/۴۷۵۲	۸/۵۵۲	۱۰۰	۰/۰۰۰
۲- حمایت از نوآوری در همه بخش‌ها	۱۰۱	۳	۳/۴۹۵	۰/۵۴۰۸	۰/۴۹۵۰	۹/۲۰۰	۱۰۰	۰/۰۰۰
۳- تشویق کار تیمی	۱۰۱	۳	۳/۵۹۴	۰/۴۹۳۵	۰/۵۹۴۰	۱۲/۰۹۷	۱۰۰	۰/۰۰۰
۴- حمایت از افراد دارای ایده‌های نو	۱۰۱	۳	۳/۵۶۴	۰/۴۹۸۳	۰/۵۶۴۳	۱۱/۳۸۲	۱۰۰	۰/۰۰۰
۵- پاداش بر اساس عملکرد	۱۰۱	۳	۳/۵۲۴	۰/۵۴۰۲	۰/۵۲۴۷	۹/۷۶۱	۱۰۰	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۹۹	۸/۲۴۲	۰/۴۹۰۰	۰/۵۹۴۵	۳/۴۹۰	۳	۱۰۰	۶- افزایش تمایل کارکنان در راستای پژوهش‌های تیمی	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۷/۲۱۴	۰/۴۳۵۶	۰/۶۰۶۸	۳/۴۳۵	۳	۱۰۱	۷- ارزش و پاداش دادن به یادگیری	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۱۰/۹۴۹	۰/۵۶۴۳	۰/۵۱۷۹	۳/۵۶۴	۳	۱۰۱	۸- تعهد به کیفیت	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۱۰/۱۱۴	۰/۵۲۴۷	۰/۵۲۱۴	۳/۵۲۴	۳	۱۰۱	۹- نظارت توأم با آزادی عمل در تمامی سطوح سازمانی	
سطح معناداری	درجه آزادی	T	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	میانگین تجربی	میانگین نظری	فراوانی	شاخص‌ها	عامل اعضای هیئت علمی و کارکنان خلاق و نوآور
۰/۰۰۰	۱۰۰	۱۱/۱۵۵	۰/۵۵۴۴	۰/۴۹۹۵	۳/۵۵۴	۳	۱۰۱	۱- حضور هیئت علمی دارای ویژگی نوآوری در دانشگاه	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۸/۷۲۵	۰/۴۸۵۱	۰/۵۵۸۸	۳/۴۸۵	۳	۱۰۱	۲- حضور هیئت علمی دارای ویژگی ریسک‌پذیری	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۱۰/۹۳۵	۰/۵۴۴۵	۰/۵۰۰۴	۳/۵۴۴	۳	۱۰۱	۳- حضور هیئت علمی دارای دانش کارآفرینی	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۹/۵۷۱	۰/۵۱۴۸	۰/۵۴۰۶	۳/۵۱۴	۳	۱۰۱	۴- هیئت علمی دارای توانایی ایجاد محیط یادگیری کارآفرینی	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۹/۷۲۲	۰/۵۰۴۹	۰/۵۲۱۹	۳/۵۰۵	۳	۱۰۱	۵- وجود کارکنان دارای ویژگی نوآوری	
۰/۰۰۰	۱۰۰	۹/۷۲۲	۰/۵۰۴۹	۰/۵۲۱۹	۳/۵۰۵	۳	۱۰۱	۶- وجود کارکنان دارای ویژگی ریسک‌پذیری	
۰/۰۰۰	۹۹	۹/۹۶۵	۰/۵۲۰۰	۰/۵۲۱۸	۳/۵۲۰	۳	۱۰۰	۷- وجود کارکنان دارای ویژگی دانش کارآفرینی	
سطح معناداری	درجه آزادی	T	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	میانگین تجربی	میانگین نظری	فراوانی	شاخص‌ها	
۰/۰۰۰	۹۹	۱۰/۷۸۰	۰/۵۴۰۰	۰/۵۰۰۹	۳/۵۴۰	۳	۱۰۱	۱- شناسایی نیازهای ذی‌نفعان درونی (دانشجویان)	
۰/۰۰۰	۹۹	۱۰/۷۹۵	۰/۵۶۰۰	۰/۵۱۸۷	۳/۵۶۰	۳	۱۰۱	۲- شناسایی نیازهای ذی‌نفعان بیرونی	
۰/۰۰۰	۹۹	۱۱/۲۲۵	۰/۵۶۰۰	۰/۴۹۸۸	۳/۵۶۰	۳	۱۰۱	۳- تعامل دانشگاه با دولت	
۰/۰۰۰	۹۹	۱۰/۵۸۱	۰/۵۵۰۰	۰/۵۱۹۸	۳/۵۵۰	۳	۱۰۱	۴- تهیه، اجرا و کنترل برنامه‌های بازاریابی دانشگاه	

شناسایی عوامل مؤثر جهت تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین ۲۰۱

سطح معناداری	درجه آزادی	T	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	میانگین تجربی	میانگین نظری	فراوانی	شاخص‌ها	عامل تأمین اقدامات حمایتی کارآفرینانه
./۰۰۰	۹۹	۱۱/۴۵۶	./۵۷۰۰	./۴۹۷	۳/۵۷۰	۳	۱۰۰	۱- تسهیل در فرایند تخصیص بودجه برای ایده‌های نو	
./۰۰۰	۹۹	۱۰/۷۸۰	./۵۴۰۰	./۵۰۰	۳/۵۴۰	۳	۱۰۰	۲- تقویت پارک‌های علم و فناوری در دانشگاه‌ها	
./۰۰۰	۹۹	۱۱/۶۹۲	./۵۸۰۰	./۴۹۶	۳/۵۸۰	۳	۱۰۰	۳- یافتن حامیان بخش خصوصی به منظور توسعه کارآفرینی	
./۰۰۰	۹۹	۱۱/۲۲۵	./۵۶۰۰	./۴۹۸	۳/۵۶۰	۳	۱۰۰	۴- تقویت و به‌روزرسانی فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات	
سطح معناداری	درجه آزادی	T	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	میانگین تجربی	میانگین نظری	فراوانی	شاخص‌ها	عامل تجاری‌سازی تحقیقات
./۰۰۰	۹۹	۹/۹۶۵	./۵۲۰۰	./۵۲۱۸	۳/۵۲۰	۳	۱۰۰	۱- راه‌اندازی شرکت‌های دانشگاهی (spin-off)	
./۰۰۰	۹۹	۱۰/۷۹۵	./۵۶۰۰	./۵۱۸۷	۳/۵۶۰	۳	۱۰۰	۲- گسترش پژوهش با توجه به نیاز صنایع و شرکت‌های اقتصاد در سطح منطقه، استان و کشور	
./۰۰۰	۹۹	۹/۶۱۴	./۵۲۰۰	./۵۴۰۹	۳/۵۲۰	۳	۱۰۰	۳- انجام تحقیقات مشترک دانشگاه با صاحبان صنایع و شرکت‌ها	
./۰۰۰	۹۹	۱۰/۵۸۱	./۵۵۰۰	./۵۱۹۸	۳/۵۵۰	۳	۱۰۰	۴- کاربردی کردن نتایج تحقیقات دانشگاهی	
./۰۰۰	۹۹	۱۰/۱۶۶	./۵۳۰۰	./۵۲۱۴	۳/۵۳۰	۳	۱۰۰	۵- تأسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک دانشگاه با صاحبان صنایع	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

همان‌طور که در جدول بالا اشاره شده است، کلیه عوامل شناسایی شده بالاتر از حد متوسط ۳ برآورد شده و مورد تأیید قرار گرفته است.

در رابطه با یافته‌های پژوهش در پاسخ به پرسش دوم پژوهش مبنی بر اینکه «وضعیت موجود دانشگاه الزهرا (س) در رابطه با عوامل مؤثر شناسایی شده جهت تبدیل شدن به یک دانشگاه کارآفرین چگونه است؟» به تفکیک هر عامل در جداول زیر آمده است:

جدول ۲. وضعیت دانشگاه الزهراء (س) در رابطه با رهبری کارآفرینانه

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
رهبری کارآفرینانه	۱۰۱	۲۰	۱۷/۱۸۸	۵/۵۸۸	۴/۴۰۴۰	-۵/۰۵۶	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (-۵/۰۵۶) و سطح معناداری (/۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۲۰) با میانگین تجربی (۱۷/۱۸۸)، تفاوت معناداری وجود دارد و بر این اساس با توجه به پایین بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت علمی، وضعیت عامل «رهبری کارآفرینانه» در دانشگاه الزهرا (س) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۳. وضعیت دانشگاه الزهرا (س) در رابطه با ساختار سازمانی کارآفرینانه

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
ساختار سازمانی کارآفرینانه	۱۰۱	۱۰	۱۷/۱۸۸	۵/۵۸۸	۷/۱۸۸	۱۲/۹۲۶	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (۱۲/۹۲۶) و سطح معناداری (/۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۱۰) با میانگین تجربی (۱۷/۱۸۸)، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به بالاتر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت علمی، وضعیت عامل «ساختار سازمانی کارآفرینانه» در دانشگاه الزهرا (س) بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۴. وضعیت دانشگاه الزهراء (س) در رابطه با آموزش کارآفرینی

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
آموزش کارآفرینی	۹۵	۲۲/۵	۸/۵۵۷	۲/۸۰۸	-۱۳/۹۴۲	-۴۸/۳۸	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (-۴۸/۳۸) و سطح معناداری (./۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۲۲/۵) با میانگین تجربی (۸/۵۵۷)، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به پایین‌تر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی، وضعیت عامل «آموزش کارآفرینی» در دانشگاه الزهرا (س) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۵. وضعیت دانشگاه الزهرا (س) در رابطه با فرهنگ کارآفرینانه

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
فرهنگ کارآفرینانه	۱۰۲	۲۲/۵	۱۸/۷۹۴	۵/۹۲۲	-۳/۷۰۵	-۶/۳۲۰	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (-۶/۳۲۰) و سطح معناداری (./۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۲۲/۵) با میانگین تجربی (۱۸/۷۹۴)، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به پایین‌تر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی، وضعیت عامل «فرهنگ کارآفرینانه» در دانشگاه الزهرا (س) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۶. وضعیت دانشگاه الزهراء (س) در رابطه با اعضای هیئت‌علمی و کارکنان خلاق و نوآور

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
اعضای هیئت‌علمی و کارکنان خلاق و نوآور	۱۰۲	۱۷/۵	۱۴/۴۸۰	۴/۵۶۵	-۳/۰۱۹	-۶/۶۷۹	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (-۶/۶۷۹) و سطح معناداری (./۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۱۷/۵) با میانگین تجربی (۱۴/۴۸۰)، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به پایین‌تر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی، وضعیت عامل «اعضای هیئت‌علمی و کارکنان خلاق و نوآور» در دانشگاه الزهرا (س) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

کارکنان خلاق و نوآور» در دانشگاه الزهرا (س) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۷. وضعیت دانشگاه الزهراء(س) در رابطه با بازاریابی کارآفرینانه

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
بازاریابی کارآفرینانه	۱۰۰	۱۰	۸/۵۰۰	۲/۷۷۹	-۱/۵۰۰	-۵/۳۹۶	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (-۵/۳۹۶) و سطح معناداری (/۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۱۰) با میانگین تجربی (۸/۵۰۰)، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به پایین‌تر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی، وضعیت عامل «بازاریابی کارآفرینانه» در دانشگاه الزهرا (س) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۸. وضعیت دانشگاه الزهراء(س) در رابطه با تأمین اقدامات حمایتی کارآفرینانه

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
تأمین اقدامات حمایتی کارآفرینانه	۱۰۱	۱۰	۸/۳۳۶	۲/۸۲۵	-۱/۶۶۳	-۵/۹۱۶	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (-۵/۹۱۶) و سطح معناداری (/۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۱۰) با میانگین تجربی (۸/۳۳۶)، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به پایین‌تر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی، وضعیت عامل «تأمین اقدامات حمایتی کارآفرینانه» در دانشگاه الزهرا (س) پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۹. وضعیت دانشگاه الزهرا (س) در رابطه با تجاری‌سازی تحقیقات

عامل	تعداد	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میزان T	سطح معناداری
تجاری‌سازی تحقیقات	۱۰۲	۱۲/۵	۱۰/۰۴۹	۳/۴۴۲	-۲/۴۵۰	-۷/۱۹۱	/۰۰۰

با توجه به T به دست آمده (-۷/۱۹۱) و سطح معناداری (/۰۰۰)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین نظری (۱۲/۵) با میانگین تجربی (۱۰/۰۴۹)، تفاوت

معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به پایین تر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری از دیدگاه اعضای هیئت علمی، وضعیت عامل «تجاری سازی تحقیقات» در دانشگاه الزهرا (س) پایین تر از حد متوسط ارزیابی شده است.

نتیجه گیری

دانشگاه به عنوان یکی از اصلی ترین متولیان تربیت نیروی انسانی متخصص برای تمامی بخش‌ها و حلقه ارتباطی بین دولت و صنعت، باید افرادی کارآفرین پرورش دهد تا فارغ التحصیلان آن فقط جویای کار نباشند و بتوانند برای خود کسب و کاری به وجود آورند که این امر خود باعث توسعه اقتصادی کشور می شود. ایجاد دانشگاهی که در آن تأکید بر ترویج کارآفرینی توأم با فن آفرینی باشد، از ضروریات عصر حاضر است که عصر انفجار فزاینده اطلاعات و فناوری‌های نوین است. در همین راستا دانشگاه الزهرا (س) نیز با برنامه ریزی‌های اساسی برای ارتقای کمی و کیفی خود تلاش کرده است تا در راستای چشم انداز ۲۰ ساله کشور به جایگاه واقعی خود دست یابد. لذا با ایجاد بستر مناسب برای توسعه کارآفرینی و در نتیجه نوآوری و خلاقیت در بین متخصصان خود، قادر خواهد بود که به تربیت نوآوران خلاق پرداخته و جهت تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین گام‌های اساسی بردارد. لذا در این پژوهش ابتدا عوامل تأثیرگذار بر تبدیل شدن دانشگاه به دانشگاه کارآفرین مورد مذاقه قرار گرفت و طی آن، ۸ عامل رهبری کارآفرینانه (۸ شاخص)، ساختار سازمانی کارآفرینانه (۴ شاخص)، آموزش کارآفرینی (۹ شاخص)، فرهنگ کارآفرینانه (۹ شاخص)، اعضای هیئت علمی و کارکنان خلاق و نوآور (۷ شاخص)، بازاریابی کارآفرینانه (۴ شاخص)، تأمین اقدامات حمایتی کارآفرینانه (۴ شاخص)، تجاری سازی تحقیقات (۵ شاخص) شناسایی شد. سپس بر مبنای این عوامل شناسایی شده به بررسی وضعیت دانشگاه الزهرا (س) در جهت تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین پرداخته شد و یافته‌ها در این خصوص حاکی از آن است که دانشگاه الزهرا (س) در روند تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین، جز در عامل «ساختار سازمانی کارآفرینانه»، در دیگر عوامل شناسایی شده در وضعیت مطلوبی به سر نمی برد و علی رغم

تلاش‌های بسیاری که در این زمینه انجام شده است، جهت فراهم کردن شرایط لازم جهت تحقق این مهم و تبدیل شدن دانشگاه الزهرا (س) به دانشگاه کارآفرین راه بسیاری پیش رو خواهد بود. لذا باید با سرمایه‌گذاری بر کارآفرین کردن دانشگاه‌ها از طریق ایجاد رشته‌های مرتبط با کارآفرینی و همچنین در نظر گرفتن دروس مرتبط با این حوزه برای کلیه دانشجویان، زمینه شناسایی دانشجویان کارآفرین و مستعد کارآفرینی را فراهم کرده و توان و قابلیت‌های آن‌ها را با حمایت‌های مالی، آزمایشگاهی و... در دانشگاه‌های کارآفرین به منصفه ظهور برسانیم. در این خصوص دولت نیز می‌تواند با تخصیص منابع مالی بیشتر، نقش بسیار مهمی را ایفا کرده و به‌عنوان بازوی کمکی دانشگاه‌ها در این خصوص، زمینه‌ساز توسعه فرهنگ کارآفرینانه در میان اقشار گوناگون جامعه به‌ویژه جامعه دانشگاهی باشد.



منابع

- ابراهیم‌زاده، فریمان، پریوش جعفری، و محمود احمدپورداریانی (۱۳۸۶). «مطالعه وضعیت ویژگی‌های کارآفرین در دانشجویان رشته کامپیوتر منطقه ۹»، دانشگاه آزاد اسلامی به‌منظور ارائه راهکارهای توسعه کارآفرینی، مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرین، نشر دانشگاه الزهرا(س).
- احمدپورداریانی و همکاران (۱۳۷۷). *ارائه الگوی پرورش مدیران کارآفرین*، رساله دکتری رشته مدیریت دولتی، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۴). *کارآفرینی: تعاریف، مفاهیم، الگوها*، چاپ ششم، تهران: پردیس ۵۷.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۳). «بنگاه مشتق از دانشگاه»، *نامه آموزش عالی*، سال اول، شماره ۵.
- ایمانی، محمدنقی (۱۳۸۴). *بررسی نقش دانشگاه‌ها در آماده‌سازی دانش‌آموختگان کارآفرین به‌منظور ارائه مدل نظری برای تدوین برنامه‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها*، رساله دکتری در رشته مدیریت آموزشی: تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۴). *تدوین الگوی مناسب ایجاد دانشگاه کارآفرین*، رساله دکتری در رشته مدیریت آموزشی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- سریع‌القلم، آرزو (۱۳۸۶). *نقش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در کارآفرینی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی*، مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، دانشگاه الزهرا(س).
- شاه‌حسینی، علی (۱۳۸۹). *طراحی و تدوین استراتژی جهت ایجاد دانشگاه کارآفرین در دانشگاه آزاد اسلامی با نمونه‌های کارآفرین فرهنگی و هنری*، رساله دکتری.
- صمدآقایی، جلیل (۱۳۷۸). *سازمان‌های کارآفرین*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی*.
- مشهدی‌حسینی، مریم (۱۳۸۶). *بررسی ساختار سازمانی با ویژگی‌های سازمان کارآفرین*، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
- Anokhin, S. & Schulze, W. S. (2009). "Entrepreneurship, innovation, and corruption", *Journal of business venturing*, Vol.24, No.5, 465-476.
- Clark, B. R. (1998). *Creating Entrepreneurial Universities: Organizational*

- Pathways of Transformation. Issues in Higher Education*, Elsevier Science Regional Sales, 665 Avenue of the Americas, New York.
- Dill, D. D. (1995). "University-industry entrepreneurship: the organization and management of American university technology transfer units", *Higher education*, Vol.29, No.4, 369-384.
- Etzkowitz, H et al (2000). "The future of the university and the university of the future: evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm", *Research policy*, Vol.29, No.2, 313-330.
- Eyal, O. & Inbar, D. E. (2003). "Developing a public school entrepreneurship inventory: Theoretical conceptualization and empirical examination", *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, Vol.9, No.6, 221-244.
- Guerrero, M. & Urbano, D. (2012). "The development of an entrepreneurial university", *The journal of technology transfer*, Vol.37, No.1, 43-74.
- Guerrero-Cano, M. Kirby, D. & Urbano, D. (2006). "A literature review on entrepreneurial universities: An institutional approach", In *3rd Conference of Pre-communications to Congresses, University of*
- Hasan, M. & Harris, E. (2009). "Entrepreneurship and innovation in e-commerce", *Journal of Achievements in Materials and Manufacturing Engineering*, Vol.32, No.1, 92-97.
- Leslie, L. L. & Slaughter, S. A. (1997). "The development and current status of market mechanisms in United States postsecondary education", *Higher Education Policy*, Vol.10, No.3-4, 239-252.
- Sherej sharifi, Azita.(2011). "Analyzing the Role of Organizational Factors in Create and Promote Entrepreneurship (Organization Reviewed: Universities and Education Institutions)", *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, Vol.1. No. 7, 803-807.
- Strambu-Dima, A. & Veghes, C. (2008). "Entrepreneurial University - A New Vision On The Academic Competitiveness In A World In Motion", *Annales Universitatis Apulensis Series Oeconomica*, Vol.2, No.10, 1-56.
- Van Vught, F. (1999). "Innovative universities", *Tertiary Education and Management*, Vol.5, No.4, 347-355.
- Yusof, M. & Jain, K. K. (2010). "Categories of university-level entrepreneurship: a literature survey", *International Entrepreneurship and Management Journal*, Vol.6, No.1, 81-96.